

ضحاک

تاریخ از دل اسطوره



ساقی گازرانی
ترجمه‌ی سیما سلطانی



نشر مرکز

"Zahhak's Story and History"

Saghi Gazerani

in

A Celebration in Honor of Dick Davis, The Layered Heart,

Essays on Persian Poetry. Edited by A. A. Seyed-Ghorab,

© 2019 Mage Publishers, USA.

ضحاک

تاریخ از دل اسطوره

ساقی گازرانی

ترجمه‌ی سیما سلطانی

ویرایش: تحریریه‌ی نشرمرکز

حروف‌چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: بخش تولید نشرمرکز

طرح جلد: فریبا معزی

چاپ اول: ۱۳۹۸، شماره‌ی نشر ۱۳۳۹، ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۴۵۵-۷

نشرمرکز: تهران، خیابان دکتر علمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۰۲۱-۸۹۷۰۴۶۲

فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nashremarkaz.com

 [nashremarkaz](https://www.instagram.com/nashremarkaz)

همه‌ی حقوق چاپ و نشر ترجمه‌ی فارسی این کتاب طاعتی توفیق کتبی

با انتشارات میج برای نشرمرکز به ثبت رسیده است

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، الکترونیکی،

ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و بخش بدون دریافت مجوز غیرقانونی است. از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» ایران قرار دارد.

- سرشناسه گازرانی، ساقی، ۱۳۵۱. Gazerani, Saghi. • عنوان قراردادی شاهنامه ضحاک، شرح
- عنوان و نام پدیدآور ضحاک: تاریخ از دل اسطوره / ساقی گازرانی؛ ترجمه‌ی سیما سلطانی • مشخصات ظاهری: ۱۶ س.
- یادداشت کتاب حاضر ترجمه‌ی مقاله‌ای با عنوان "Zahhak's story and history" اثر ساقی گازرانی برگرفته از کتاب "The layered heart essays on Persian poetry: a celebration in honor of Dick Davis" ویراسته‌ی
- علی‌اصغر سیدغراب است. • یادداشت کتابنامه: نمایه • عنوان دیگر تاریخ از دل اسطوره • موضوع فردوسی، ابوالقاسم،
- ۳۲۹-۹۴۱۶ ق.، شاهنامه، ضحاک — نقد و تفسیر: شاهنامه — شخصیت‌ها: ضحاک (اساطیر ایرانی)، شعر فارسی —
- قرن ۴ ق. — تاریخ و نقد • شناسه‌ی افزوده سلطانی، سیما، ۱۳۳۹. مترجم: دیویس، دیک، ۱۹۴۵- م.
- فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۹۴۱۶ ق. شاهنامه، ضحاک، شرح • رده‌بندی کنگره PIR ۴۴۹۶ • رده‌بندی دیویی ۱/۲۱ فا ۸
- شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی ۵۹۶۵۰۶۴



فهرست

۷	مقدمه
۱۱	آستیای چگونه مار شد؟
۳۰	معمای بابل
۳۳	ضحاک خاندان کارن و ضحاک خاندان سورن
۴۱	عرب یا ایرانی: دعوا بر سر نژاد ضحاک
۵۱	نتیجه گیری
۵۱	جدول ها
۶۱	پیوست ها
۸۵	کتاب شناسی
۹۱	نمایه

مقدمه

زمانی که یاقوت حموی، فراوان دان و نویسنده‌ی قرن هفتم ه. ق.، در یکی از سفرهای فراوان خود به منطقه‌ی دماوند رسید، از مردم محلی شنید که گاه‌گاه صداها یا «عریب» از کوه می‌شنوند و ادعا می‌کردند که صدای زوزه‌ی ضحاک است. آنان به او گفتند که فریدون در آن کوه ضحاک (بیوراسب) را به بند کشیده است و مقدر است که همیشه در آنجا بماند.^۱ در حدود هشتصد سال بعد، روزی که من در یکی از روستاهای منطقه‌ی دماوند به بام خانه‌ای محقر ایستاده بودم تا آن قله‌ی شکوهمند پر از برف را نظار کنم، زنی محلی که از آنجا می‌گذشت درست همان داستان را برایم بازگو کرد. او با چهره‌ای جدی پرسید: «آیا تابه‌حال صدای زوزه‌ی ضحاک را شنیده‌ای؟ ما گاه‌گاه ضجه‌های او را از آن بالا می‌شنویم.» این قضیه مرا به تأمل در چند پرسش واداشت، یکی از آن‌ها رابطه‌ی

۱. یاقوت الحموی، معجم البلدان، ۱۹۷۷، ج ۲، ص ۴۷۶.

سنت شاهنامه‌نگاری^۱ با افسانه‌های محلی بود و نیز نقشی که نام‌های جغرافیایی در آن سنت داشتند. اما بیش از آن ارتباط داستان‌ها با تاریخ بود که توجه مرا به خود جلب می‌کرد، به‌ویژه در این مورد خاص، یعنی تاریخ‌نگاری ژانر شاهنامه که داستان و تاریخ در آن در هم تنیده می‌شوند. با این همه، آنجا که پای کشف مسائل تاریخی در میان باشد، داستان ضحاک گزینه‌ای راحت و بی‌دردسر نیست، زیرا تصویر ضحاکِ مار-شاه از یک سو در اساطیر ریشه دارد و، از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که روایت شاعر بزرگ طوس از این داستان چندانی برای پژوهش تاریخی نمی‌گذارد.

فردوسی آورده است که ضحاک شاهی خودکامه از تبار عرب بود، بیگانه‌ای که باج و خراج را از ان را غصب کرد و فریب ابلیس بدکردار را خورد و مرتکب گناه عظیم بدرکشی شد. ضحاک، با راهنمایی ابلیس و تفرعنی که بر او غالب است پیوسته مرتکب خطاهایی بزرگ می‌شود که سرانجام بر اثر آنها همه‌ی انسان‌ها را دچار بدبختی و مصیبت می‌کند. او به ایران هجوم می‌آورد، حمشید را با آزه به دو نیم می‌کند، بر تخت سلطنت او می‌نشیند و دو خواهر حمشید را وادار به ازدواج با خود می‌کند. این دوران برای ایران و مردم آن امار و بدبختی

۱. منظور از سنت شاهنامه‌نگاری، شیوه‌ی خاص نقل تاریخ در سده‌های پیش از اسلام است، حتی پیش از خداینامک‌نویسی ساسانیان در ایران عصر پارتی نیز رایج بوده است و بعدها با شاهنامه‌های نثر و نظم دنبال شد. اوج شاهنامه‌نگاری شاهنامه‌ی فردوسی است. که شاعر در آن به‌صراحت از قصد خود مبنی بر نوشتن تاریخ گذشتگان سخن می‌گوید. اما پس از نگارش اثر جاودانه‌ی فردوسی نیز، حتی تا زمان مغولان، صفویان، و نیز قاجار، نوشتن تاریخ ایران باستان به این شیوه ادامه یافت. در حال حاضر مجموعه‌ای از نوشته‌ها، به نظم و نثر، در دست است که با توجه به ویژگی‌هایشان می‌توان آن‌ها را در ژانری به نام شاهنامه‌نگاری جای داد. م.

۲. برای خلاصه‌ای از آنچه فردوسی در شاهنامه آورده است به پیوست‌ها بنگرید.

به همراه می آورد، زیرا شاه جدید به کارهایی بس ظالمانه و بیدادگرانه دست می زند که فجیع ترین آن ها خوراک دادن از مغز مردان جوان به دو مار روییده از شانه هایش است. سرانجام، زمانی که پسران کاوه ی آهنگر کشته می شوند تا مغزشان خوراک ماران شود، ضحاک نیز به قه ربت کارهای بدش گرفتار می گردد. پدر داغ دیده، به محض شنیدن خبر کشته شدن پسرانش، پیش بند آهنگری خود را بر سر نیزه می زند و آن را همچون پرچم شورش بر ضد ضحاک عَلم می کند. سرانجام فریدون که از اصل شاهان ایرانی است ضحاک را شکست می دهد، و با این کار خواب ضحاک که شکست خود را پیش از آن به رؤیا دیده بود تعبیر می گردد. فریدون ضحاک را به بند می کشد و او را بر فراز کوه دماوند زندانی می کند. محکوم به آن که تا ابد در آنجا بماند. این داستان بازتاب چند رویداد تاریخی را، که با روی کار آمدن شاهنشاهی هخامنشی اعزاز می شوند، در خود نگاه داشته است. در واقع آنچه برای داستان ضحاک اتفاق می افتد به ویژگی های ژانر شاهنامه نگاری بازمی گردد، در این ژانر بازتاب چنان رویداد تاریخی در یک داستان گنجانده می شود و در نتیجه مشخصات ترکیبی آفریده می شوند و ارجاعاتی زمان پریش به رویا دهان مختلف شکل می گیرند. چنان که خواهیم دید، در کُنه بازنویسی های تاریخی صورت گرفته در این داستان مجادلات دینی و سیاسی ای نهفته است که از ویژگی های تألیفات تاریخی است. از آنجایی که این داستان را بازیگران سیاسی در چندین برهه ی تاریخی بازنویسی کرده اند، و با توجه به این که آخرین بازنویسی های داستان بین سده های سوم تا هفتم هجری انجام شده است، آنچه در دست ماست روایت های بازنویسی شده ی متعدد و متفاوت است.